

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی

تحلیلی بر مفهوم ارث و حدود بر خورداری زوجین از آن در حقوق ایران و فقه امامیه

مرتضی عراقی^۱

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

⋮

Dr.mortezaaraghi@gmail.com

خلاصه

ارث در تاریخ ملل متأثر از عادات و عرف های صحیح و فاسد بوده است. در مبانی اسلامی موضوع ارث از جایگاه ویژه ای برخوردار است و در همین راستا چندین آیه از کتاب مقدس و هدایتگر قرآن کریم و صدها حکم و قاعده فقهی به آن اختصاص یافته است. بدون تردید ارث از پیچیده ترین موضوعاتی است که در کتب فقهی و حقوقی تحت عناوینی همچون موجبات، موانع و شرایط ارث، به صورت تفصیلی مورد بحث و بررسی و استدلال قرار گرفته است. ارث زوجه از عقار موضوع اصلی این پژوهش است که سعی شده ضمن اشاره به تاریخچه آن در تمدنهای باستانی، موضوع از منظر فقهی، حقوقی و تحولات قانونگذاری ایران و در نهایت مطالعه تطبیقی در سایر نظامهای حقوقی مورد بررسی و کنکاش فقهی و حقوقی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: ارث زوجه، عقار، اموال غیر منقول، نظام حقوقی ایران، فقه امامیه

۱. مقدمه

از دواج یک رابطه حقوقی، اخلاقی، اجتماعی است، مسائل حقوقی آن از قبیل نفقه، اجرت المثل، ارث و... در شرع و قانون مدنی مواد آن بیان شده است. برخی از مسائل حقوقی خانواده بسیار مشکل و پیچیده می باشد؛ یکی از این موارد ارث است. در مورد ارث زنان از اموال منقول و غیر منقول از جهت عین و قیمت نظرات و فتاوی متفاوتی وجود دارد؛ لذا به نظر می رسد قانونگذار می تواند با بهره گیری و تمسک به آن بسیاری از مشکلات خانواده ها را در این زمینه حل نماید. در این مقاله ابتدا پیشینه تاریخی و سپس مواد قانونی و موارد مطرح شده در فقه مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. پیشینه تاریخی

الف) تمدن رم (۱)

بر طبق الواح دوازده گانه ژوستینیانوس، امپراطور رم، که از کهن ترین اسناد تاریخی حقوق رم است، دختران و زنان بطور کلی از ارث محروم بودند و میراث فقط به اولاد ذکور تعلق داشت. هیچ کس حق نداشت که حتی، تنها فرزند دختر و ازدواج نکرده خود را وارث خویش قرار دهد. اگر پدری تنها چند دختر داشت، می بایست برای یکی از آنها شوهر اختیار کند تا شوهر او را وارث خود قرار دهد. در رم قدیم زن نه تنها از ارث محروم بود، بلکه اصولاً فاقد اهلیت و محجور به شمار می رفت و باید در تحت قیمومت شوهر، برادر، پسر و یا یکی از اقوام ذکور منسوب به شوهر قرار می گرفت و در این میان شوهر بر دیگران مقدم بود.

ب) تمدن بابل (۲)

در بابل بر اساس قانون حمورابی پدر حق داشت، وصیت کند که اموال غیر منقول او را به پسر مورد علاقه و محبوبش بدهند. و دختر هنگامی حق دریافت ارث را داشت که جهیزه نگرفته باشد. زن نیز از دارایی شوهر تنها مقداری به عنوان هدیه دریافت می کرد و از ارث بردن محروم بود.

دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی

(ج) تمدن ایران باستان (۳)

در تمدن ایران باستان اصولاً زن بخشی از اموال و دارایی مرد به شمار می آمد. در میان نژاد آریایی محرومیت دختران از ارث یک قاعده بود. ولی هرگاه پدر می مرد و دختر ازدواج نکرده بود، می توانست از ترکه پدر به اندازه نصف سهم پسر، برخوردار گردد. در این نظام از میان زنان تنها ممکن بود که محبوب ترین آنها به عنوان یکی از پسران شوهر بشمار آمده و از او ارث ببرد.

(د) تمدن چین و ژاپن (۴)

در چین و ژاپن بویژه در عصر کنفوسیوس، پدر، مالک زن و فرزندان بشمار می رفت و حتی او حق داشت، آنها را بکشد. گاهی زن وظیفه داشت، جهت اثبات وفاداری به شوهر، خود را بکشد. مادران همواره آرزوی داشتن پسر را می کردند. دختران از ارث محروم بوده و اگر همه فرزندان پدر دختر بودند، پدر پسر را به فرزندی قبول کرده و او را وارث خود قرار می داد.

(ه) تمدن هند (۵)

در تمدن هندی بر طبق مجموعه قوانین «مانو» زن از ارث محروم بوده و تحت قیمومت مرد قرار داشت. در برخی قبایل هندی، زن پس از شوهرش به عنوان ترکه به ارث می رسید و یا بر اساس رسم «ساتی» به همراه جسد شوهرش در آتش سوزانده می شد و یا او را خفه کرده و به همراه شوهرش در گور می نهادند و این امر نشانه اعلام وفاداری به شوهرش بود. حتی در برخی قبایل هندی زن حکم دام را داشت و در بین ورثه تقسیم می شد.

(و) تمدن عرب قبل از اسلام (۶)

در تمدن عربی قبل از اسلام، توارث بر اساس جنگاوری و سلحشوری استوار بود. برخی اسباب ارث در نزد عرب جاهلی را، قرابت، مرد بودن، بلوغ و قدرت حمل سلاح و... دانسته اند. به این ترتیب در این تمدن زنان و کودکان از ارث بهره ای نمی بردند. پس از مرگ شوهر، همسر او همانند سایر اموال متوفی به ارث می رسید و هر یک از وراثت ذکور می توانست با افکندن پارچه ای بر خیمه زن، او را به تصاحب خود درآورد، به همسری برگزیند، بفروشد، و یا زنده بگور نماید. بهترین گواه بر حاکمیت این رژیم حقوقی بر ارث زن و مرد در تمدن عرب جاهلی ماجرای است که در صدر اسلام اتفاق افتاده است.

مردی انصاری از دنیا رفت، در حالی که دارای یک همسر و دختر بود، برادر متوفی تمامی ترکه برادر را به خود اختصاص داد و چیزی به همسر و دختر متوفی نداد. آنها به نزد پیامبر اسلام (ص) شکایت بردند. استدلال برادر متوفی چنین بود: چون دختر و همسر متوفی قادر به سوار کاری و جنگ با دشمن نیستند، بنابراین بهره ای از ارث ندارند. این استدلال به خوبی نشان دهنده وضعیت ارث زن در تمدن عرب قبل از اسلام است.

البته پیرو این ماجرا خداوند این رژیم حقوقی را ملغی نموده (۷) و اعلام فرمود: «برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان (آنان) بر جای گذاشته اند، سهمی است، و برای زنان (نیز) از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان (آنان) بر جای گذاشته اند سهمی (خواهد برد) - خواه آن (مال) کم باشد یا زیاد - نصیب هر کس مفروض شده است.»

اعراب جاهلیت گاهی کسی را پسر خوانده قرار می دادند و در نتیجه، آن پسر خوانده مانند یک پسر حقیقی وارث میت شمرده می شد. رسم پسر خواندگی در میان ملت‌های دیگر و از آن جمله ایران و روم قدیم موجود بوده است. طبق این رسم یک پسر خوانده به دلیل اینکه پسر است از مزایایی برخوردار بود که دختران نسلی برخوردار نبودند. از جمله مزایای پسر خوانده ارث بردن بود، همچنان [که] ممنوعیت ازدواج شخص با زن پسر خوانده یکی دیگر از این مزایا و آثار بود. قرآن کریم این رسم را نیز منسوخ کرد (۸)

اعراب رسم دیگری نیز در ارث داشتند که آن را نیز قرآن کریم منسوخ کرد و آن رسم «هم پیمانی» بود. دو نفر بیگانه با یکدیگر پیمان می بستند که «خون من خون تو و تعرض به من تعرض به تو و من از تو ارث ببرم و تو از من ارث ببری». به موجب این پیمان این دو نفر بیگانه در زمان حیات از یکدیگر دفاع می کردند و هر کدام زودتر می مرد دیگری مال او را به ارث می برد. (۹)

۳. مفهوم عقار

(الف) مفهوم لغوی: العَقَارُ بالفتح: الأرض و الضیاعُ و النخلُ. (۱۰) العَقَار: کلّ ملک ثابت له أصل کالدار و النخل، و الجمع عقارات (۱۱)

دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی

ب) مفهوم اصطلاحی: سه عنوان «عقار»، «رباع»، «ضیاع» در روایات باب ارث و به تبع آن در متون فقهی فراوان به کار رفته است. «عقار» و جمع آن «عقارات» به معنای اموالی است که اصل ثابتی داشته باشند، تعبیر «اموال غیر منقول» که در عرف حقوقی فارسی زبانان رایج است، معادل مناسبی برای عقار است. «رباع» جمع «ربیع» به معنای خانه و ملک مسکونی است و گاه به معنای «زمین خانه» به کار رفته که اخص از معنای اول است. «ضیاع» جمع «ضیعه» است به معنای مزرعه و زمین کشاورزی، گاه به معنای عام تر عقار و گاه به معنای حرفه و صنعت و شغل نیز به کار رفته است. (۱۲)

۴. ارث زوجه از منظر فقهی

۱- دیدگاه فقهاء

میراث زوجه از اموال غیر منقول {عقار} از مسائل بحث برانگیز فقهی است. هفت قول و نظر در این مسأله وجود دارد:

نظریه اول: زوجه به طور مطلق از عین همه ترکه ارث می‌برد. (۱۳)

ابن جنید- بنا بر آنچه علامه حلی در کتاب مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه از او نقل کرده است- می‌گوید: «هرگاه ورثه، زوج و زوجه و فرزند و پدر و مادر باشند، زوج یک چهارم و زوجه یک هشتم از همه ترکه منقول و غیر منقول ارث می‌برد و به هریک از پدر و مادر یک ششم می‌رسد و باقی مانده به فرزند می‌رسد». ابن جنید فرزند را به فرزندگی که از همین زوجه باشد، اختصاص نداده است.

نظریه دوم: نظر شیخ مفید در مقنعه این است که زوجه از عین و قیمت رباع- اراضی مسکونی- هیچ ارثی نمی‌برد اما از عین دیگر زمینها و از قیمت ابزار و مصالح ساختمانی ارث می‌برد. (۱۴)

«زوجه از زمین خانه- رباع- شوهر هیچ ارث نمی‌برد و از قیمت چوب و آجر و ساختمان و ابزار و آلات آن ارث می‌برد. این حکم منصوص از جانب پیامبر (ص) و ائمه (ع) است. رباع عبارت است از خانه و مسکن و شامل باغ و زمین کشاورزی نمی‌شود.»

نظریه سوم: سید مرتضی و برخی متأخرین بر این عقیده هستند که زوجه از عین خانه و زمین مسکونی ارث نمی‌برد ولی از قیمت آنها و از عین زمینهای دیگر ارث می‌برد. (۱۵)

«از احکام اختصاصی فقه امامیه آن است که زوجه از رباع هیچ ارث نمی‌برد، بلکه به قیمت آن از ساختمان و ابزار و آلات آن و نه قیمت عرصه، حق او داده می‌شود. دیگر مذاهب فقهی با این حکم مخالف بوده و در حق ارث همسران تفاوتی میان زمین خانه و غیر آن قائل نیستند. به نظر من این مسئله همچون مسئله اختصاص قرآن و شمشیر به پسر بزرگتر است. رباع گرچه به زوجات داده نمی‌شود ولی قیمت آن برای ایشان محسوب می‌شود. دلیل تأیید نظر ما همان است که در مسئله پیشین بیان شد. ممکن است وجه محرومیت زن از ارث رباع آن باشد که چه بسا او با دیگری ازدواج کند و کسی را ساکن این خانه کند که رقیب متوفی بوده یا به او غبطه و حسد می‌ورزیده و این بر اهل و عشیره متوفی گران باشد. محرومیت زن از ارث عین خانه با پرداخت قیمت آن به او به بهترین وجه جبران شده است.»

آنچه سید مرتضی در تقویت نظر خود در مسئله پیشین- مسئله جبهه- بیان کرده، چنین است:

آنچه را بیان کردیم گرچه فقهای ما بدان تصریح نکرده‌اند، قوی تر می‌دانیم؛ زیرا در آیه شریفه آمده است:

«يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ» ظاهر آیه مقتضی شریک بودن دختر و پسر در همه ما ترک میت از جمله شمشیر و قرآن است. همچنین ظاهر آیات مربوط به میراث پدر و مادر و زوجین اقتضا می‌کند که سهام مذکور برای آنان از همه ترکه میت باشد. بنابراین اگر چیزی از ترکه را مختص به پسر بزرگتر بدانیم بدون کسر قیمت آن از سهم او، خلاف ظاهر این آیات عمل کرده‌ایم. فقهای ما اجماع ندارند که این اشیا- جبهه- بدون احتساب قیمت آنها به پسر بزرگتر تعلق می‌گیرد. آنان فقط به روایاتی تکیه کرده‌اند که متضمن اختصاص این اشیا به پسر بزرگتر است بدون تصریح به احتساب این اشیا و کسر قیمت آنها از سهم او. هر گاه به پیروی از این روایات، جبهه را مختص به پسر بزرگتر بدانیم و قیمت آن را حساب کرده و از سهم او کم کنیم، هم ظاهر آیات محفوظ می‌ماند و هم به اجماع فقهای طایفه بر اختصاص این اشیا به پسر بزرگتر عمل کرده‌ایم.

دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی

وجه اختصاص این اشیا به پسر بزرگتر با کسر قیمت آنها از سهم او این است که پسر بزرگتر جانشین و به منزله پدر است و به سبب همین جایگاه به این اشیا سزاوارتر از زنان و فرزندان کوچکتر است. (۱۶) نظریه چهارم: زوجه اگر دارای فرزند باشد، از عین همه زمینها ارث می‌برد و اگر بدون فرزند باشد هیچ ارثی از زمینها نمی‌برد و فقط از قیمت ابزار و مصالح ساختمانی ارث می‌برد. این نظر صریح شیخ طوسی و پیروان او، بلکه نظر مشهور فقهای بعد از اوست.

شیخ طوسی در نهاییه می‌گوید: «زن از زمین شوهر خود ارث نمی‌برد، فقط قیمت مصالح ساختمان حساب می‌شود و سهم او از آن داده می‌شود و از اصل زمین چیزی به او نمی‌رسد. برخی از فقهای ما قائلند که این حکم مخصوص زمین خانه است و شامل زمینهای کشاورزی و باغها نمی‌شود، ولی رأی اول در روایات بیشتر آمده و در مذهب روشن تر است. این حکم در صورتی است که زن فرزندی از مورث نداشته باشد، اما اگر دارای فرزندی از مورث باشد، حق او از همه اموال از جمله از زمینهای کشاورزی و مسکونی و خانه‌ها پرداخت خواهد شد.» (۱۷) ایشان در کتاب مبسوط (۱۸) بیان می‌کنند: «زن از زمین کشاورزی و مسکونی و خانه‌ها و منازل شوهر خود ارث نمی‌برد، بلکه قیمت آجر و چوب و دیگر ابزار و آلات ساختمانی حساب شده و سهم او پرداخت می‌شود و از اصل زمین چیزی به او داده نمی‌شود. برخی از فقهای ما گفته‌اند که این حکم مخصوص خانه و منازل مسکونی است نه زمینهای کشاورزی و باغها، ولی قول اول، روشن تر است. این حکم در صورتی است که زن از مورث فرزندی نداشته باشد، اما اگر از او دارای فرزند باشد، حق او از همه اینها پرداخت خواهد شد.» (۱)

قاضی ابن براج نیز در کتاب مهذب (۱۹) بر همین نظر تاکید داشته و مقرر نموده است:

«و المرأه إذا لم یکن لها ولد من زوجها، و مات عنها، لم یورث من الأرضین، و الرباع و الدور و المنازل و القرى شیئا بل یقوم الأخشاب و الطوب و ، و جمیع آلات ذلک، و یدفع إليها بحقها منه، و لا یدفع إليها من نفس ذلک شیء، و ذهب بعض أصحابنا الی ان ذلک یخص بالمنازل و الدور، دون الأراضي و غیرها، و الظاهر الأول، فان کان لها منه ولد دفع إليها حقها من نفس ذلک، و لم یمنع من شیء منه.» ابن حمزه نیز در کتاب وسیله (۲۰) آورده است: اگر زوجه دارای فرزندی از شوهر متوفای خود باشد، از همه ترکه ارث می‌برد، و اگر دارای فرزندی از شوهر متوفای خود نباشد، حتی در زمینها و قریه‌ها و خانه‌ها و منازل ندارد. روایات گوناگونی بر خلاف این حکم نیز نقل شده است. محقق حلی در شرایع (۲۱) می‌نویسد: «هرگاه زوجه از مورث فرزندی داشته باشد، از همه ما ترک ارث می‌برد، و اگر دارای فرزندی از او نباشد، از زمین هیچ ارث نمی‌برد ولی از قیمت ساختمانها سهم خود را می‌برد. گفته شده که زن فقط از خانه و زمین مسکونی ارث نمی‌برد و سید مرتضی قول سوم را آورده است و آن قیمت گذاری زمین و پرداخت سهم زن از قیمت آن است. قول اول روشن تر است.»

شایان ذکر است ایشان در کتاب المختصر النافع (۲۲)، اولاً بین زن دارای فرزند و بدون فرزند تفصیل نداده، ثانیاً فتوای خود را به عقار اختصاص داده است:

«شوهر از همه ما ترک زن خود ارث می‌برد و زن نیز از همه ما ترک شوهر به استثنای عقار و نیز از قیمت ساختمانها ارث می‌برد. برخی از فقها این حکم را به زمینهای کشاورزی و قریه‌ها نیز توسعه داده‌اند. سید مرتضی ارث زن از عین زمین را ممنوع دانسته نه از قیمت آن.» علامه حلی در قواعد الأحکام (۲۳) آورده است: «شوهر از همه ما ترک زن خود چه با او آمیزش کرده و چه نکرده باشد - در صورتی که عقد در مرض موت واقع نشده باشد - ارث می‌برد. زن نیز اگر از شوهر خود دارای فرزند باشد از همه ما ترک او ارث می‌برد، اما اگر از او فرزندی نداشته باشد، مشهور آن است که از اصل زمین هیچ ارث نمی‌برد ولی سهم او از قیمت ساختمانها و درختان داده می‌شود. برخی گفته‌اند فقط از خانه و مسکن ارث نمی‌برد. برخی دیگر گفته‌اند از قیمت زمین نیز ارث می‌برد.»

نظریه پنجم: بر اساس این قول، زوجه به طور مطلق، نه از عین و نه از قیمت اموال غیر منقول ارث نمی‌برد. بلکه صرفاً از قیمت ابزار و آلات خانه ارث می‌برد. این قول میان فقهای سده‌های اخیر مشهورتر است. نخستین کسی از فقهای قدیم که قائل به عدم تفصیل شده، ابن ادریس است (۲۴)، البته او با این رأی شیخ مفید موافق است که محرومیت زن اختصاص به ارث ربا و منازل دارد نه همه زمینها. متن عبارت سرائر چنین است: «اما اگر زن از شوهر فرزندی داشته باشد، به نظر برخی از فقهای ما سهم ارث او از عین همه اموال داده می‌شود. این نظر شیخ صدوق است و مستند آن روایت شاذ و خیر واحدی است که البته موجب هیچ علم و عملی نخواهد بود. شیخ طوسی نیز در کتاب نهاییه بر همین قول بوده ولی در کتاب استبصار از آن برگشته است. نظر شیخ طوسی در استبصار نزد من استوارتر است؛ زیرا تخصیص نیاز به ادله قوی و مستند شرعی دارد، در حالی که اجماع بر این است که زوجه از اصل زمین خانه هیچ ارث نمی‌برد، چه از مورث فرزندی داشته و چه نداشته باشد. ظاهر قول شیخ مفید در مقنعه و سید مرتضی در انتصار نیز همین است.»

نظریه ششم (۲۵): زوجه اگر دارای فرزندی از مورث باشد، از عین همه اموال منقول و غیر منقول ارث می‌برد و اگر بدون فرزند باشد از عین اموال منقول و از قیمت اموال غیر منقول ارث می‌برد. اختلاف نظر فقها در این مسئله فقط در این است که آیا این حکم اختصاص به زوجه‌ای دارد که از مورث دارای

دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی

فرزندی نیست، یا حکم عام بوده و شامل هر زوجه‌ای چه با فرزند و چه بی فرزند می‌شود؟ مشهور فقها بر آنند که این حکم به زوجه بی فرزند اختصاص دارد، ابن ادریس و گروهی از متأخران قائل به تعمیم این حکم هستند (۲۶)

نظریه هفتم (۲۷): گروهی دیگر از فقهاء معاصر و مراجع تقلید از جمله حضرت آیت اله خامنه ای بر این عقیده هستند که زوجه خواه از شوهرش دارای فرزند باشد خواه نباشد از اصل عقار ارث نمی برد لکن از قیمت زمین اعم از زمین خانه، مغازه، باغ یا مزرعه ارث می برد.

۵. ادله و مستندات فقهی

الف. قرآن: با بررسی و دقت در آیات قرآن ناظر بر ارث زن از شوهر، بی هیچ شبهه‌ای می توان ادعا کرد که ظاهر و مقتضای ادله لفظی {اطلاقات و عمومات} بر عدم محرومیت زوجه از عقار و ارث بردن او از یک چهارم یا یک هشتم تمام ترکه شوهر دلالت دارد.

۱- سوره نساء آیه ۷: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا.»

۲- سوره مبارکه نساء آیه ۱۲: «وَلَهُنَّ الرِّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثَّمَنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ»

عموم فقهاء و مفسرین در تبیین آیات فوق معتقد هستند که این آیات بر ارث بردن زوجین از یکدیگر برابر نصیب تعیین شده توسط خداوند متعال دلالت دارد و از طرفی متعلق ارث نیز هیچ گونه تحدید و تخصیصی ندارد مگر مواردی که توسط دلایل خاص و حدیثی از این اطلاقات و عمومات مستثنا شده است. (۲۸)

ب. روایات: در قبال ظاهر آیات، مجموعه‌ای از روایات- که در آنها روایت صحیح نیز وجود دارد- دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عقار دارد. شیوه بیان این روایات مختلف است، پاره‌ای از آنها دلالت بر حرمان زوجه از ارث عین ساختمانها نیز دارد و براساس آنها زوجه فقط از قیمت ساختمان ارث می‌برد.

این روایات را بر حسب دلالتشان می‌توان به چند دسته تقسیم کرد. دسته اول: روایاتی که ظاهرشان دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عقار و مطلق زمین دارد، بی آنکه متعرض کیفیت ارث او از ساختمان شده باشد: کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش، از محمد بن عیسی، از یونس، از محمد بن حرمان، از زراره، از محمد بن مسلم- در نسخه خطی: زراره و محمد بن مسلم- از امام باقر (ع) نقل کرده است: «النِّسَاءُ لَا يَرِثْنَ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا مِنَ الْعَقَارِ شَيْئًا.» (۲۹) زنان از زمین و از عقار هیچ ارث نمی‌برند. دسته دوم: روایاتی که ظاهر آنها دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عقار و ضیاع و ارث بردن او از عین ساختمان دارد:

۱- شیخ طوسی در تهذیب از حسن بن محمد بن سماعه، از محمد بن زیاد، از محمد بن حرمان، از محمد بن مسلم و زراره، از امام باقر (ع) نقل می‌کند «أَنَّ النِّسَاءَ لَا يَرِثْنَ مِنَ الدُّوْرِ وَلَا مِنَ الضِّيَاعِ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَحَدُتْ بِنَاءً فَيَرِثْنَ ذَلِكَ الْبِنَاءَ.» (۳۰)، زنان از خانه‌ها و ضیاع- اراضی کشاورزی- هیچ ارث نمی‌برند، مگر آنکه ساختمانی احداث شده باشد که در این صورت از ساختمان ارث می‌برند. ظاهر عبارت «فیرثن ذلك البناء» این است که از عین ساختمان ارث می‌برند نه فقط از قیمت آن. دسته سوم: روایاتی است که دلالت بر تفصیل در ارث زوجه دارند. براساس این روایات، زوجه از خانه‌ها و عقار و زمینها ارث نمی‌برد، ولی از قیمت ساختمان و آلات و مصالح ساختمانی ارث می‌برد. اکثر روایات میراث زن و شوهر در این دسته جای دارند و لسان آنها نیز مختلف است: برخی از آنها حکم محرومیت را به رباع- منازل- و زمین خانه اختصاص داده‌اند، برخی دیگر عقار را به صورت مطلق آورده‌اند؛ بنابر آنکه اطلاق عقار شامل هر زمینی می‌شود، بعضی از آنها به محرومیت زوجه از ارث قریه‌ها نیز تصریح کرده‌اند، در بعضی دیگر- چنانکه در روایت زراره و محمد بن مسلم که در روایات قبلی گذشت- به محرومیت زوجه از ارث ضیاع نیز تصریح شده است. در بعضی دیگر از این روایات به محرومیت زوجه از ارث سلاح و چهار پایان نیز تصریح شده است که این حکم از نظر فقهی نا محتمل است. همچنین در ذیل برخی از این روایات، حکم محرومیت زوجه از اشیای یاد شده این گونه تعلیل شده است: «لئلا يتزوجن فيفسدن على أهل الموارث موارثهم»، (۳۱) تا زنان با ازدواج با دیگری، میراث ورثه را تباه نسازند. در برخی دیگر از روایات این دسته، تفصیل میان زمین و قیمت ساختمان و آلات ساختمانی به لفظ استثنا و استندراک آمده است؛ مانند: «إِلَّا أَنَّهُ تَعَطَّى حَقَّهَا» یا «وَأَنَّهُ تَعَطَّى حَقَّهَا... من قيمة البناء» بعضی از فقها این بیان را ظاهر در اعطای همه حق زوجه- حتی در مورد زمین- از قیمت دانسته‌اند. کلینی از عده‌ای، از سهل بن زیاد و از محمد بن یحیی از احمد بن محمد، و از حمید بن زیاد از ابن سماعه، همگی از ابن محبوب از علی بن رثاب، از زراره از امام باقر (ع) نقل کرده است. «أَنَّ الْمَرْأَةَ لَا تَرِثُ مِمَّا تَرَكَ زَوْجُهَا مِنَ الْقَرَى وَالِدُورِ وَالسَّلَاحِ وَالذَّوَابِ شَيْئًا وَ تَرِثُ مِنَ الْمَالِ وَالْفَرُشِ وَ النَّيَابِ وَ مَتَاعِ الْبَيْتِ مِمَّا تَرَكَ وَ يَقُومُ النَّقْضُ وَ الْأَبْوَابُ وَ الْجُدُوعُ وَ الْقَصَبُ فَتَعَطَّى حَقَّهَا مِنْهُ.» (۳۲)

دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی

زن از قریه‌ها و خانه‌ها و سلاح و چهارپایان شوهرش هیچ ارث نمی‌برد، و از مال و فرش و لباسها و اثاث خانه ارث می‌برد. مصالح ساختمانی و درب‌ها و چوب‌ها و حصیرها قیمت شده و حق او از آنها داده می‌شود. شیخ طوسی نیز همین حدیث را با اسناد خود از احمد بن محمد، از حسن بن محبوب، از علی بن رناب، از زراره و خطاب بن ابی محمد همدانی از طریال بن رجاء از امام صادق (ع) روایت کرده است. (۳۳)

دسته چهارم: روایاتی است که دلالت بر عدم محرومیت زوجه به طور مطلق یا زوجة دارای فرزند از ارث عقار دارد. دو روایت در این باره آمده است:

۱- صحیحہ ابن ابی یعفر از امام صادق (ع): سألت عن الرجل هل يرث من دار امرأته أو أرضها من التبره شيئاً، أو يكون في ذلك بمنزله المرأة فلا يرث من ذلك شيئاً؟ فقال: يرثها و ترثه من كل شيء ترك و تركت؛ (۳۴) از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا مرد از خاک خانه یا زمین همسرش چیزی ارث می‌برد یا مرد نیز همچون زن از خانه و زمین ارث نمی‌برد؟ امام (ع) فرمود: مرد از همه ماترک زن و زن از همه ماترک مرد ارث می‌برد.

۲- شیخ صدوق از ابن ابی عمیر، از ابن اذینه نقل کرده است: فی النساء إذا كان لهن ولد أعطین من الرباع؛ (۳۵) به زنانی که فرزند داشته باشند، از رباع داده می‌شود.

ج. اجماع: با نگرش به تعریف اجماع مبنی بر «اتفاق نظر مجتهدان اسلام از صدر اول تا زمان حال در همه نقاط جهان در یک مسئله فقهی و حقوقی که کاشف از نظر امام معصوم باشد. (۳۶) از یک طرف و مطالب مورد اشاره در خصوص تنوع و تفاوت حکمی و محتوایی دیدگاه فقهاء و روایات نقل شده از ائمه معصومین علیهم السلام در باب ارث زوجه از عقار، عملاً در این زمینه اجماعی وجود ندارد

۶. ارث زوجه در نظام حقوقی ایران

۱- دیدگاه حقوقدانان: با بررسی نظریات و عقاید حقوقدانان به موضوع ارث زوجه از عقار دو دیدگاه توأمان تاییدی و انتقادی مشهود است. دانش اموختگان و اساتید حقوق، فقه امامیه را تاریخ نظام حقوقی ایران قلمداد نموده و قواعد حقوقی را نشأت گرفته از فقه پویای تشیع می‌دانند که به تناسب شرایط مکانی و زمانی و با نگرش به مقتضیات اجتماعی در قالب قوانین موضوعه مورد تصویب مجلس شورای اسلامی تبلور یافته‌اند. از طرف دیگر عدم استحقاق زوجه از عقار تا سال ۱۳۸۷ همواره مورد نگاه نقادانه حقوقدانان قرار گرفته است و با بررسی جوانب موضوع، تمسک به تحولات صنعتی و دگرگونی جوامع و تغییر شرایط و مقتضیات زندگی در جوامع امروزی، این محرومیت را متناسب با روح عدالت ندانسته و همواره خواهان اصلاح این قبیل احکام در بستر قانونگذاری بوده‌اند. در دیدگاه انتقادی عده‌ای از حقوقدانان با تمسک به ادله و مستندات فقهی ناظر به ارث زوجه از ماترک شوهر، ضمن استناد به نصوص محکم قرآن کریم و دلالت عموماً و اطلاقات آیات مورد اشاره، همچنین تفاوت دیدگاه فقهاء با استنباط از روایات ائمه معصومین علیهم السلام، خواهان اجتهاد در این باب بوده و معتقدند که این موضوع حکم شرعی نبوده بلکه مبانی فقهی مورد انتخاب تدوین کنندگان قانون مدنی بوده است (۳۷). این گروه حکم مندرج در قانون مدنی مبنی بر محرومیت زوجه از عقار را را مصداق «قضیه فی واقعه لا یتعدی» ندانسته و معتقدند آنچه مبنای قانون مدنی قرار گرفته استنباط عده‌ای از فقیهان بوده فلذا حکم شرعی از باب قضیه حقیقی نیست، بلکه برعکس نظر مشهور فقهاء به وراثت زن بیجه دار تمایل دارد. (۳۸)

براین اساس برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند «این محرومیت زن ریشه در فرهنگ گذشته دارد و مبتنی بر فرهنگ و سنن قبیله‌ای و قومی بوده است. زنی که از قبیله‌ای به قبیله دیگر به عنوان عروس برده می‌شد پس از مرگ شوهر باید به قوم و قبیله خود بازمی‌گشت و این بازگشت با ارث بردن زن از زمین و عین اعیانی مغایرت داشت. و از طرفی چه بسا این تملک باعث تسلط قوم و قبیله زن بر قلمرو قبیله شوهر می‌گشت. همچنین بر اساس تعصبات خانوادگی و فامیلی گذشته استوار است که اگر زن ازدواج مجدد نماید و مرد بیگانه را به خانه شوهر متوفی وارد کند، این امر بر خانواده شوهر متوفی گران و سخت خواهد آمد. در گذشته زمین بدون اعیانی و آب و درخت ارزش امروز را نداشت و با توجه به قلت جمعیت و وسعت زمین ارزشی بر آن مترتب نبود، اما امروز با توجه به کثرت و رشد جمعیت و کمبود زمین ارزش فراوانی نسبت به بنا و درخت یافته است در حالیکه زوجه از این میراث گرانها به طور کلی محروم است. اندیشه و استنباط فقهای گذشته در طول تاریخ شیعه و اجتهاد مورد تکریم و سرمایه فرهنگی ملی می‌باشد و امت شیعه پای‌بند آن اندیشه‌هاست اما این وفاداری و اعتقاد مانع از اجتهاد نو و فتاوی جدید نمی‌باشد. حضرت امام می‌فرمایند: «این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم، اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند.» (۳۹)

دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی

دکتر کاتوزیان نیز در مواجهه با این موضوع آورده است «در مسأله ارث زن، قدرت و اعتبار سنتها و ارزش والایی را که موازین اسلامی دارد نباید از یاد برد. احکام ارث قانون مدنی از یادگارهای فقه امامیه است و در پرتو قواعد اسلامی ریشه آن احترام فراوان دارد و همین احترام و اعتبار مرز نوگرایی و عدالت خواهی را فشرده می کند. وانگهی، حقوقدان در جستجوی عدالت، آزاد نیست و آرمانها او باید در درون نظام حقوقی صورت پذیرد. قواعد مربوط به ارث زن چنان صریح است که رویه قضایی و اندیشه های حقوقی توان ایجاد تحول در این زمینه را ندارد. پس، ناچار باید از قانونگذار خواست که به ضرورتها پاسخ گوید قانونگذار نیز نمی تواند به قواعد مذهبی تجاوز کند. در نتیجه، هر پیشنهاد اصلاحی نیز باید در مرحله نخست راهی نشان دهد که مقصود را در درون نظام حقوقی اسلام قابل تحقق سازد بر پایه همین مبنا، به استقبال تفاوت های ارث زن و شوهر می رویم و امکان اصلاح و تحول احکام را در حقوق کنونی ارزیابی می کنیم. در جستجوی راه حل های اسلامی، باید به دو نکته مهم توجه داشت:

۱- رأی فقیه را باید از حکم شرع تمیز داد: اختلاط فتاوی فقیهان اسلامی با منابع و موازین شرعی باعث شده است که بعضی چنین پندارند که هر گونه اصلاح یا تحولی در فقه سنتی مخالفت با شریعت است، در حالی که باید پذیرفت که بخش مهمی از فقه زاده استنباط عقلی و اندیشه ها و آرمانهای فقیهان در دوران طولانی عصر اجتهاد است. این سرمایه فرهنگی دارای ارزشی والا است، ولی امکان اجتهاد تازه و رعایت مصلحت و ضرورت های کنونی را از ما نمی گیرد. آنچه ما را پایبند می کند، لزوم سیر و حرکت در نظام اسلامی و رعایت منابع مسلم آن است وانگهی، تحول آرامی که فقه در تاریخ انسجام و تکامل خود یافته است، نشان زنده بی از تغییر برداشتها و شیوه استدلال در این نظام حقوقی است.

۲- تحمل نظر های نو در امور اختلافی. آنچه درباره تمیز حکم شرع از رأی فقیه گفته شد به معنی انکار نفوذ نظام فرهنگی و حقوقی فقه و نظریاتی که در آن ابراز شده نیست. شکستن این حصار فرهنگی، در موردی که فقیهان به اتفاق رسیده اند. دشوار است و بویژه، اگر شرایط تحقق اجماع در آن اتفاق جمع باشد، به معنی تجاوز به موازین اسلامی است. ولی، در فرضی که فقیهان نیز در استنباط حکم اختلاف دارند، هیچ قاعده بی قانونگذار را ناگزیر از پیروی مشهور نمی کند. در اصل ۱۴۷ قانون اساسی پیش بینی شده است که دادرسی می تواند، در صورتی که قانونی نباشد، به فتاوی معتبر استناد کند. فتاوی غیر مشهور نیز ممکن است معتبر باشد و انتخاب آن با قاضی است. پس باید پذیرفت که نظام حقوقی ما توان تحمل نظر های نو را، بویژه در صورتی که با فتاوی معتبری از فقیهان همراه باشد، دارد. در نتیجه، باید گفت: اگر قاضی بتواند با انتخاب نظری مهجور از شهرت پیروی نکند و عدالت ملموس را بر آن ترجیح دهد، بی گمان قانونگذار نیز چنین اختیاری دارد و نمی توان بر او خرده گرفت که چرا عدالت را فدای شهرت نکرده است. بدین ترتیب ما با وضعی رو به رو هستیم که ۱۰ به یقین حکم الهی و قرآنی با برابری زن و شوهر و وراثت زن از تمام اموال شوهر موافق است. درباره احتمال تخصیص قرآن به اخبار و مفاد آن، اندیشمندان به هفت گروه و شاید بیش از آن تقسیم شده اند. ۳۰ اجماعی بر سر راه تحول حکم حرمان به چشم نمی خورد و شهرت آن را تأیید نمی کند در این وضع آیا پاسخ نگفتن به ندای عدالت دریغ و ظلم نیست و «مانع شرعی» بهانه سنت گرایی نشده است؛ کدام فقیه روشن ضمیر قانونگذاری را که، در حال گریز از قیل و قالهایی مفسران اخبار، بر بال فرشته عدالت به سوی قرآن می رود نکوهش می کند.» (۴۰)

۲- احکام قانونی:

الف- تحولات قانونگذاری تا سال ۱۳۸۷: براساس نظر فقهی مورد گزینش تدوین کنندگان قانون مدنی ایران، تا سال ۱۳۷۸ احکام ناظر به ارث زوجه از اموال شوهر در مواد ۹۴۶ تا ۹۴۸ قانون مدنی به شرح زیر گنجانده شده بود: ماده ۹۴۶- زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد لیکن زوجه از اموال ذیل:

(۱) از اموال منقوله از هر قبیل که باشد.

(۲) از ابنیه و اشجار.

ماده ۹۴۷- زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می برد و نه از عین آنها و طریقه تقویم آن است که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت تقویم می گردد. ماده ۹۴۸- هر گاه در مورد ماده قبل ورثه از اداء قیمت ابنیه و اشجار امتناع کند زن می تواند حق خود را از عین آنها استیفاء نماید.

ماده ۹۴۹- در صورت نبود هیچ وارث دیگری به غیر از زوج یا زوجه شوهر تمام تر که زن متوفاه خود را ارث می برد لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه تر که شوهر در حکم مال اشخاص بلا وارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود. نتیجه احکام قانونی فوق عدم محرومیت زوجه زمین و عرصه اعم از زمین زراعی و زمین مسکونی بوده است.

ب. تحولات قانونگذاری بعد از سال ۱۳۸۷:

دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی

۱- با نگرش به نگاه نقادانه حقوقدانان به محرومیت زوجه از ارث عرصه و زمین و از طرفی تاکید بر مسئله دفاع و احیای حقوق زنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران سرانجام فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی در دوره ششم - اجلاس چهارم ۱۳۸۳ - ۱۳۸۲ - طرح اصلاح مواد ۹۴۶ تا ۹۴۸ قانون مدنی را در قالب ماده واحده تدوین و به شرح زیر در سیر مراحل تصویب قرار داد: ماده واحده - مواد (۹۴۶) و (۹۴۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ بشرح زیر اصلاح و مواد (۹۴۷) و (۹۴۸) آن حذف می گردد:

۱- ماده (۹۴۶) - زوجین از تمام اموال یکدیگر ارث می برند.

۲- ماده (۹۴۷) - حذف می شود.

۳- ماده (۹۴۸) - حذف می شود.

۴- ماده (۹۴۹) - در صورت نبودن هیچ وارث دیگر بغیر از زوج یا زوجه، هر کدام تمام ماترک همسر متوفی خود را ارث می برد.

طرح پیشنهادی فوق در جلسه علنی روز دوشنبه بیست و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ مطرح و نمایندگان موافق و مخالف به بیان دیدگاههای خود پرداخته اند. برخی از نمایندگان فقیه و دانش آموختگان حوزی با اشاره به جایگاه ارث زوجه از عقار نزد فقهای امامیه و با اشاره به اقوال متعدد در این زمینه و تنوع روایات وارده با طرح پیشنهادی مخالفت نموده و برخی دیگر نیز پیشنهاد جایگزین ارائه نموده که مورد تصویب نمایندگان قرار نگرفته و در نهایت نظر به رویکرد غالب نمایندگان مجلس شورای اسلامی مبنی بر وجهه اصلاح طلبی طرح پیشنهادی فوق به تصویب رسید که با عنایت به اهمیت مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس شورای اسلامی و استدلال موافقان و مخالفان، مشروح مذاکرات جلسه مزبور عیناً به صورت پاورقی آمده است.

۳- طرح مورد تصویب مجلس ششم با مخالفت شورای نگبان مواجه و ادامه پیگیری موضوع به دوره های هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی موکول شد.

۴- مجلس هفتم در ۲۷ آذرماه ۱۳۸۶، طرح اصلاح مواد (۹۴۶)، (۹۴۷) و (۹۴۸) قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷ را با قید دوفوریت اعلام و وصول نمود که در این جلسه پس از صحبت نمایندگان موافق و مخالف و اشاره به فتوای مقام معظم رهبری مبنی بر جواز ارث زوجه از قیمت عرصه و زمین، و همچنین تاکید بر وجود نظریات چندگانه فقهی و لزوم بحث و بررسی تخصصی و کارشناسی در کمیسیون، نمایندگان مجلس با دو فوریت طرح مخالفت نموده و سرانجام یک فوریت آن به تصویب رسید.

۵- طرح مورد اشاره پس از بررسی در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس سرانجام در مجلس هشتم به تصویب رسید، لکن شورای نگهبان قانون اساسی برای رفع برخی از اشکالات حقوقی و قانونی آن را به مجلس شورای اسلامی ارجاع داد و متعاقب آن مجلس شورای اسلامی در جلسه شصتم، ۶ بهمن ماه ۱۳۸۷، موضوع تصویب اصلاحات کمیسیون حقوقی و قضایی برای تامین نظر شورای نگهبان را در دستور کار خود قرار داد و پس از یک دوره فراز و نشیب پنج ساله طرح مذکور به شرح زیر مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و با توجه به عدم اظهار نظر شورای نگهبان در موعد مقرر قانونی لازم الاجراء گردید. قانون اصلاح موادی از قانون مدنی ۱۳۸۷/۱۲/۱۱ شماره ۷/۷۰۷۲۶. ماده واحده - مواد (۹۴۶) و (۹۴۸) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ به شرح زیر اصلاح و ماده (۹۴۷) آن حذف می گردد: ماده ۹۴۶- زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد و زوجه در صورت فرزنددار بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می برد در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق می باشد. ماده ۹۴۸- هرگاه ورثه از اداء قیمت امتناع کنند زن می تواند حق خود را از عین اموال استیفاء کند. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۶ بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در مهلتهای مقرر موضوع اصول نود و چهارم (۹۴) و نود و پنجم (۹۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظر شورای محترم نگهبان واصل نگردید. مشروح مذاکرات مربوط به مصوبه فوق به جهت مستند سازی این پژوهش و ماندگاری در عرصه پژوهشهای حقوقی و سیر اصلاح قانون مدنی ایران به شرح زیر نویس تقدیم شده است.

۶- با تصویب و اجرای عملی قانون اصلاح موادی از قانون مدنی ۱۳۸۷/۱۲/۱۱، نظام حقوقی ایران با تحول جدیدی در عرصه قانونگذاری بالاخص توجه به حقوق زنان مواجه شد. متعاقب این سازوکار جدید حقوقی، در محاکم اختلافاتی پیش آمد مبنی بر اینکه پرونده هایی که قبل از تصویب این قانون در محاکم وجود داشته الان براساس کدام قانون عمل کنند، قانونی که قبلاً حاکم بوده یا اصلاحیه ای که مجلس به تصویب رسانده است؟ برای حل این موضوع حقوقی طرح الحاق یک تبصره به ماده (۹۴۶) قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۷، در تاریخ ۲۶ مرداد ماه ۱۳۸۹ در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و به شرح زیر

دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی

مورد تصویب واقع شد: ماده واحده - تبصره ذیل به ماده (۹۴۶) قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ الحاق می‌گردد: تبصره - مفاد این ماده درخصوص وراثت متوفایی که قبل از تصویب آن فوت کرده ولی هنوز ترکه او تقسیم نشده است نیز لازم‌الاجراء است.»

۷. نتیجه‌گیری

نتیجه: محرومیت زن از میراث شوهر پیشینه عمیق تاریخی در تمدن‌های بزرگ آسیایی و اروپایی دارد. ریشه این محرومیت نگاه محقرانه به زن و اعتقادات جاهلی بوده است. در تمدن‌های باستانی شکاهای متعدد این تبعیض بیشتر خود نمایی می‌کند، بگونه‌ای که شخصیت و کرامت زن زیر سؤال رفته و در برخی تمدن‌ها اصولاً برای زن اهلیتی قائل نبوده و او را محجور قلمداد نموده‌اند. در برخی از نظام‌های حقوقی معاصر و همچنین بعضی از ادیان بزرگ نیز این قبیل تبعیض‌ها و محرومیت‌ها با شدت کمتر اما با ادامه داشته و دارد.

با بعثت حضرت ختمی مرتبت محمد عبدالله صلی الله علیه و آله اجمعین و ظهور دین مبین اسلام، یکی از موضوعات ممتاز و مورد تأکید اسلام، کرامت دادن به زن و احیای حقوق از دست رفته زنان بوده است. زن در نگاه اسلام دارای جایگاه والایی است و این موضوع در تعلیم و آموزه‌های اسلامی اعم از آیات نورانی قرآن کریم، احادیث گرانسنگ ائمه معصومین علیهم السلام و سیره عملی آنها و همچنین مشی بزرگان و دانشمندان اسلامی همواره متبلور بوده است. در پرتو احکام سراسر حکمت اسلام اولاً نگاه تحقیر آمیز و کالا مآبانه به زن شدیداً نفی شد و بر تکریم نقش زن در زندگی اجتماعی و عظمت جایگاه مادری در زندگی بشری تأکید شد، ثانیاً حقوق شرعی، طبیعی، فطری و اجتماعی از دست رفته یا مورد تضییع واقع شده زن به او برگردانده شد. اسلام در مسئله میراث زوجه، اصل را بر تعلق ترکه به زن قرار داده و بالاتر اینکه پرداخت حقوق مالی زن را جزء دیون ممتازة قلمداد نموده است. مع الوصف با عنایت به فلسفه احکام شرع انور اسلام، هریک از ورثه دارای سهم و نصیبی از ماترک هستند که این احکام به تفصیل در قرآن کریم و در کتب فقهی و روایی فقاء عامه و امامیه در باب فرائض و نصیب به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

بر اساس عموماً و اطلاعات احکام راجع به میراث زوجه در قرآن کریم تفاوتی در میراث زن و شوهر وجود ندارد، لکن با توجه به فقه پویای شیعه و نقش اجتهاد در تفسیر احکام شرعی در میراث زوجه از عقار، تفاوت دیدگاه وجود داشته و دارد که این اختلاف نظر ناشی از استنباط احکام شرعی از روایات نقل شده از ائمه معصومین می‌باشد. تدوین کنندگان قانون مدنی ایران یکی از اقوال مشهور فقه امامیه در زمینه ارث زوجه از عقار را مبنای عمل نظام حقوقی ایران قرار داده و در قالب ماده «۹۴۶» قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ گنجانده‌اند. بر این اساس زوجه در حالی که از کلیه اموال منقول و قیمت ابنیه و اشجار برابر نصیب خود ارث می‌برد از اصل زمین و عرصه اعم از زمین باغ و کشاورزی و زمین خانه و مغازه و مستحدثات محروم گردیده است. در سال ۱۳۸۷ با استفاده از فتوای رهبر انقلاب؛ مجلس شورای اسلامی نسبت به اصلاح احکام ناظر به ارث زوجه از عقار اقدام نمود و در شرایط فعلی زوجه در صورت فرزندان بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیر منقول اعم از عرصه و اعیان ارث می‌برد و در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از اموال به ترتیب فوق است.

مراجع

- ۱- دیلمی، احمد- مطالعه تطبیقی ارث زن- فصلنامه نامه مفید، شماره ۲۹
- ۲- همان ۳- همان ۴- همان ۵- همان ۶- همان
- ۷- مجموعه آثار استاد مرتضی شهید مطهری- فقه و حقوق ج ۱۹، / ۸۲۳۵ - همان ۹- همان
- ۱۰- جوهری، اسماعیل بن حماد - الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربیة - ج ۲ / ۷۵۳- ناشر دار العلم للملایین - ۱۴۱۰ هـ - چاپ: اول - بیروت- لبنان - محقق / مصحح: احمد عبد الغفور عطار
- ۱۱ - مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۸ / ۱۹۲، مرکز الکتب للترجمه و النشر، تهران - ایران، چاپ اول اول، ۱۴۰۲ هـ
- ۱۲ - سید محمود هاشمی شاهرودی - میراث زوجه از اموال غیر منقول (۱) - مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، شماره ۴۹ / ۳

دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی

- ۱۳- ابن جنید - به نقل از حلی، علامه، حسن بن یوسف ابن مطهر اسدی - کتاب مختلف الشیعه فی احکام الشریعه ج ۹ / ۵۳ - دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه اسلامی مدرسین حوزه علمیه قم - چاپ دوم ۱۴۱۳ هـ ق
- ۱۴- بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری - المقنعة - ۶۸۷/کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - چاپ اول - ۴۱۳ هـ ق - قم - ایران
- ۱۵- شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی - الانتصار فی انفرادات الإمامیه / ۵۸۵ - دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - چاپ اول - ۱۴۱۵ هـ ق - قم - ایران، ۱۶ - همان / ۵۸۳ - ۵۸۲
- ۱۷- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن نام کتاب: النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی / ۶۴۲ - دار الکتاب العربی - چاپ دوم - ۱۴۰۰ هـ ق - بیروت - لبنان
- ۱۸- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن - المبسوط فی فقه الإمامیه - ج ۴ / ۱۲۶ - المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة - ۱۳۸۷ هـ ق - تهران - ایران - محقق / مصحح: سید محمد تقی کشفی
- ۱۹- طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز - المهذب - ج ۲ / ۱۴۱ - ۱۴۰ - دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - نوبت چاپ: اول ۱۴۰۶ هـ ق - قم - ایران - محقق / مصحح: جمعی از محققین و مصححین تحت إشراف شیخ جعفر سبحانی
- ۲۰- طوسی، محمد بن علی بن حمزه - الوسيلة إلى نیل الفضيلة / ۳۹۱ - انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - نوبت چاپ اول - ۱۴۰۸ هـ ق - قم - ایران - محقق / مصحح: محمد حسون
- ۲۱- حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن - شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام ج ۴ / ۲۸ - مؤسسه اسماعیلیان چاپ دوم - تاریخ نشر: ۱۴۰۸ هـ ق - قم - ایران - محقق / مصحح: عبد الحسین محمد علی بقال
- ۲۲- حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن المختصر النافع فی فقه الإمامیه ج ۲ / ۲۷۲ - مؤسسه المطبوعات الدینیة - چاپ: ششم - ۱۴۱۸ هـ ق - قم - ایران
- ۲۳- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی - قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام ج ۳ / ۳۷۶ - انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - چاپ: اول - ۱۴۱۳ هـ ق - قم - ایران - محقق / مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی
- ۲۴- حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی ج ۳ / ۲۵۹ - دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۰ هـ ق
- ۲۵- سید محمود هاشمی شاهرودی - میراث زوجه از اموال غیر منقول - مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، شماره ۴۹، ص ۴، ۲۶ - همان
- ۲۶- ۱- وبگاه دفتر مطالعات و تحقیقات زنان «2» <http://womenrc.ir/News/28499.htm> - پایگاه اینترنتی شیعه نیوز «فتاوی جدید رهبر انقلاب در باب سهم الارث زنان 3» <http://www.shia-news.com/fa/news/12296> - پایگاه تخصصی معاونت حقوقی و امور مجلس
- ۲۷- www.hvm.ir - بخش مقالات - مقاله حقوق زوجین در ارث
- ۲۸- در این زمینه به کتب زیر مراجعه شود: ۱- خراسانی، محمود بن عبد السلام تربتی شهابی، ادوار فقه (شهابی)، ۳ جلد، سازمان چاپ و انتشارات، تهران - ایران، پنجم، ۱۴۱۷ هـ ق ۲- تبریزی، جعفر سبحانی، الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف ج ۲، ص: ۲۲۱، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۳ هـ ق ۳- بروجردی، آقا حسین طباطبایی، تقریرات ثلاث (للبروجردی)، ص: ۹۹ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ ق ۴- تبریزی، جعفر سبحانی، سلسله المسائل الفقهیة ج ۲۲، ص: ۱۹، قم - ایران، اول، هـ ق ۵- گلپایگانی، لطف الله صافی، میراث الزوجه ص: ۸۸ دار القرآن الکریم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۵ هـ ق
- ۲۹- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص: ۲۱۲-۲۰۶، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ ق
- ۳۰- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام ج ۹، ص: ۳۰۰، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق
- ۳۱- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص: ۲۱۲-۲۰۶، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ ق
- ۳۲- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۷، ص: ۲۸ دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق
- ۳۳- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۴، ص: ۱۵۳ دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، اول، ۱۳۹۰ هـ ق
- ۳۴- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص: ۲۱۳، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ ق

دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی

۳۵- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص: ۳۴۹، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ هـ ق

۳۶- جعفری لنگرودی - محمد جعفر - ترمینولوژی حقوق/۱۳-۱۱- کتابخانه گنج دانش - چاپ ششم - ۱۳۷۲ ایران - تهران

۳۷- امامی سید حسن - حقوق مدنی ج ۳/۳۱۱-۳۰۶ - انتشارات کتابفروشی اسلامیة - چاپ هشتم

۳۸- کاتوزیان ناصر - دوره مقدماتی حقوق مدنی {درسهایی از شفعه، وصیت، ارث} / ۲۱۵-۲۱۰ نشر میزان - چاپ پنجم ۱۳۸۴،

۳۹- پایگاه تخصصی معاونت حقوقی و امور مجلس - www.hvm.ir - بخش مقالات - مقاله حقوق زوجین در ارث - شهناز سجادی

۴۰- کاتوزیان ناصر - دوره مقدماتی حقوق مدنی {درسهایی از شفعه، وصیت، ارث} / ۲۰۶-۲۰۷ نشر میزان - چاپ پنجم ۱۳۸۴، همچنین مراجعه شود به پایگاه تخصصی معاونت حقوقی و امور مجلس - www.hvm.ir - بخش مقالات - «ارزش سنت و جذبۀ عدالت در توارث همسران» - کاتوزیان ناصر

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی